

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام
سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صفحات ۱۱ - ۲۸

عصری سازی افعال پیامبر صلی الله علیه و آله: روش و نمونه

مهدی مردانی (گلستانی)^۱

چکیده

افعال پیامبر صلی الله علیه و آله مطابق با فضای دوره حضور شکل گرفته است و باید متناسب با فرهنگ همان دوره فهم شود. از این رو اگر شرایط و اقتضائات زمان تغییر کند و فرهنگ و باور عمومی متفاوت شود، می بایست رفتارهای ایشان را متناسب با ویژگی های زمان و عرف مخاطب، عصری سازی کرد. عصری سازی با تکیه بر ظاهر متون و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله به دست نمی آید. مسئله مقاله حاضر این است که چگونه می توان افعال و رفتار پیامبر را تحلیل کرد تا در صورت تغییر شرایط همچنان قابل پیروی باشد؟ این مقاله با تحلیل برخی نمونه های رفتاری و روش تحلیلی - اکتشافی، نشان داد که با پیمودن فرایندی پنج مرحله ای امکان سنجی تأسی به فعل پیامبر صلی الله علیه و آله، احراز محدودیت تاریخی در فعل پیامبر صلی الله علیه و آله، تشخیص آموزه متغیّر در فعل پیامبر صلی الله علیه و آله، کشف مقصود فعل پیامبر صلی الله علیه و آله و در نهایت بازسازی فعل پیامبر صلی الله علیه و آله می توان به تحلیل عصری افعال پیامبر صلی الله علیه و آله دست یافت و به این ترتیب می توان افعال ایشان را متناسب با فضای فرهنگی امروز، به روزرسانی کرد.

کلیدواژه ها: اخلاق اجتماعی، اخلاق فردی، سیره نبوی، عصری سازی.

۱. استادیار گروه تحقیقات علوم قرآنی و فقه جعفری پژوهشکده علوم اسلامی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی. mardani1400@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۵

درآمد

بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت، تأسی و الگوگیری از افعال پیامبر ﷺ لازم و ضروری است. خداوند، پیامبر را به عنوان الگو معرفی کرده و مؤمنان را به تأسی از رفتار ایشان فراخوانده است (احزاب، ۲۱). همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام تأسی به افعال انبیا به ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله را جزو وظایف دینی مسلمانان برشمرده و آنان را به پیروی از سیره حضرت دعوت کرده است (سید رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۶۰). الگوگیری از افعال پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه ساده و هموار نیست و گاه بهره‌گیری از افعال ایشان به دلیل محدودیت‌های تاریخی با دشواری همراه است. غذا خوردن با بردگان، سوار شدن بر الاغ بی‌پالان، دوشیدن شیر بز و پوشیدن لباس پشمی (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۸۱/۲) از جمله افعالی است که در زمان صدور، مطلوب و پسندیده بود ولی امروزه به دلیل تغییر شرایط زمانی و تفاوت نگاه فرهنگی، امری مرجوح تلقی می‌شود. فعل پیامبر صلی الله علیه و آله مطابق با شرایط و فضای دوره حضور شکل گرفته است و طبیعتاً متناسب با عرف و فرهنگ آن زمان فهم می‌شد. در دوره معاصر که اقتضائات زمانی و محیطی رفتار تغییر کرده است، امکان انجام عین فعل ایشان وجود ندارد و می‌بایست مطابق شرایط جدید بازسازی شود. از این رو، برای الگوگیری از افعال پیامبری که ۱۴۰۰ سال با مخاطب امروز فاصله دارد، می‌بایست اقتضائات عصر جدید را در نظر گرفت و رفتارهای ایشان را متناسب با فرهنگ هر دوره‌ای «عصری سازی» کرد. عصری سازی با تکیه بر ظاهر متون رفتارشناختی پیامبر صلی الله علیه و آله پدید نمی‌آید و نیازمند تبیین روش و تحلیل نمونه‌های رفتاری است.

کلمه «فعل» در لغت به معنای احداث و ایجاد است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵۱۱/۴) و در اصطلاح به معنای تأثیری است که یک شیء به تدریج در شیء دیگر می‌گذارد (طوسی، ۱۳۶۷: ۵۱؛ حلی، ۱۳۸۰: ۳۱). تعریف یاد شده با مفهوم مورد نظر از فعل پیامبر صلی الله علیه و آله سازگار نیست و شایسته است تا معنای دیگری از آن ارائه گردد. برای این منظور می‌توان گفت فعل، هرگونه کنش و واکنش غیر قولی است که در مواجهه با وقایع و مسائل جاری زمان ظهور پیدا کند، خواه مستمر و تکرارپذیر باشد و خواه مقطعی و دفعی. منظور از «تحلیل عصری» ارائه برداشتی روزآمد از افعالی است که در دوره حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رخ داده است و در شرایط جدید امکان تکرار آن وجود ندارد. به بیان دیگر، موضوع تحلیل عصری، آن دسته از افعالی است که به دلیل محدودیت تاریخی امکان تأسی ندارد و نیازمند بازنگری و بازسازی متناسب با شرایط و اقتضائات عصر جدید است.

با تتبع در منابع غالباً حدیثی و گزینش گزاره‌های رفتارشناختی پیامبر صلی الله علیه و آله، ابتدا متون مورد

استفاده در پژوهش گرد آمد و سپس با نمایه زنی تک تک آنها، سهم هر کدام در ساختار تحقیق مشخص شد. در این مرحله، سه ویژگی فعلیت، محدودیت و تاریخت معیارگزینش متون بوده است. صرفاً رفتارهایی انتخاب شد که اولاً حکایت گر فعل پیامبر ﷺ باشد، ثانیاً دارای محدودیت در تأسی و عمل باشد و ثالثاً محدودیت آن ناشی از فاصله زمانی و تفاوت تاریخی باشد. آنگاه با تحلیل و پردازش رفتارهای منتخب - که به کمک متون مشابه و قراین درون متنی و برون متنی احادیث صورت گرفته است - نشانه های حاکی از فلسفه و مقصود فعل پیامبر شناسایی شد و بر پایه مناسبات زمان و ویژگی های فرهنگی بازسازی شد. مطالعه انتقادی پژوهش های مرتبط و نیز بهره گیری از آرای پیشینیان در تحلیل سیره پیامبر ﷺ، از دیگر نکته های مد نظر در تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ بوده است.

پیشینه پژوهش

در این باره، پژوهش مستقلی انجام نشده است. در برخی آثار، مسئله اصلی این تحقیق مورد توجه قرار گرفته و با بعضی مسائل روز تطبیق داده شده است. چنان که محمدی ری شهری (۱۳۹۴) در مقدمه کتاب *سیره پیامبر خاتم ﷺ عصری سازی را به عنوان یکی از مراحل الگوگیری از سیره معصومان معرفی کرده است*. عباس پسندیده (۱۳۸۷) در مقاله «معاصر سازی اسوه های دینی» به تبیین راهکارهای معاصر سازی مسئله عفاف پرداخته است. عالم زاده نوری (۱۳۹۱) در کتاب *استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم، دشواری های نظری استنباط از فعل معصوم را کاویده است و دلشاد تهرانی (۱۳۹۴) در کتاب راه صفا بر پی مصطفی، اصول حاکم بر رفتارهای نبوی را تبیین کرده است*.

مقاله حاضر با دیگر پژوهش های مشابه به جهت منبع و نوع تحقیق متفاوت است. منبع بیشتر آثار یاد شده، اقوال معصومان است و منبع این تحقیق، افعال پیامبر ﷺ است. عمده پژوهش های پیشین موضوع محور است و این مقاله بر چگونگی تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ تمرکز دارد.

روش تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ

تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ، زمانی قابل دفاع و شایسته عرضه است که متکی بر متد و روش علمی باشد. این روش باید با بررسی مطالعات پیشین و رفع ایرادات آنها، فرایندی منطقی را سامان دهد و امکان سنجش دستاوردهای تحقیق را فراهم سازد. در این پژوهش با تتبع در منابع فقهی، قرآنی و حدیثی شیعه و نیز ارزیابی پژوهش های مرتبط، روش تحلیل

عصری افعال پیامبر ﷺ تدوین شده است. این روش در فرایند پنج مرحله‌ای چگونگی دستیابی به تحلیل عصری از افعال پیامبر ﷺ را بیان می‌کند و مسیر روزآمد سازی رفتارهای پیامبر ﷺ را هموار می‌سازد.

۱. امکان سنجی تأسی به فعل پیامبر ﷺ

نخستین گام برای تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ، بررسی امکان تأسی به فعل پیامبر ﷺ است. آیا اقتدا به فعل پیامبر ﷺ ممکن است و یا محدودیتی بر سر راه الگوگیری از آن وجود دارد؟ چرا که تحلیل عصری تنها در شرایطی مطرح می‌شود که تبعیت از فعل پیامبر ﷺ مقدور نباشد و نتوان از فعل پیامبر ﷺ همان گونه که صادر شده پیروی کرد. در این صورت است که ضرورت تأسی به فعل پیامبر ﷺ اقتضا می‌کند تا راهکاری برای الگوگیری از افعال حضرت اندیشیده شود و شیوه‌ای برای برون رفت از محدودیت موجود در پیش گرفته شود.

۲. احراز محدودیت تاریخی در فعل پیامبر ﷺ

تأسی به افعال پیامبر ﷺ گاه با محدودیت‌هایی مواجه است که مانع از انجام مطابقت و تبعیت مستقیم از آن می‌شود. در این شرایط، ایده «تحلیل عصری» افعال پیامبر ﷺ به عنوان راهکار برون رفت از محدودیت‌های تأسی مطرح می‌گردد و به عنوان سازوکار عبور از تنگناهای اقتدا به فعل پیامبر ﷺ پیشنهاد می‌شود. محدودیتی که زمینه کارایی تحلیل عصری را فراهم می‌آورد و در واقع، قلمرو کارکرد تحلیل عصری به حساب می‌آید، «محدودیت تاریخی» است. بر این اساس، دومین گام برای تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ، احراز محدودیت تاریخی افعال پیامبر ﷺ است که از طریق غربال‌گری موانع تأسی و کشف نشانه‌های تاریخی انجام می‌شود.

۳. تشخیص آموزه متغیر در فعل پیامبر ﷺ

به نظر می‌رسد همه افعال پیامبر ﷺ قابلیت عصری سازی ندارند و امکان ارائه برداشت روزآمد از آنها وجود ندارد. تحلیل عصری تنها درباره افعالی صادق است که در بردارنده آموزه متغیر هستند و امکان دگرگونی در صورت و ساختار اولیه فعل را داشته باشند. برخی از رفتارهای پیامبر ﷺ که در بردارنده آموزه‌ای ثابت و زمان شمولند، همیشه و همه جا و فارغ از موقعیت زمانی و بدون وابستگی محیطی تحقق می‌یابند؛ مانند نماز خواندن، حج گزاردن، انفاق کردن و صله رحم. انجام برخی افعال در گرو زمان و مکان است و متناسب با اقتضائات فرهنگی و محیطی قابل پیروی هستند. بنابراین لازم است تا علاوه بر سنجش امکان تأسی و نوع محدودیت، گونه رفتار پیامبر ﷺ به جهت ثابت یا متغیر بودن نیز سنجیده شود تا ظرفیت

افعال پیامبر ﷺ به حسب قلمرو کارایی احراز گردد.

۴. کشف مقصود فعل پیامبر ﷺ

با طی مراحل بالا افعالی باقی می‌ماند که دارای دو مشکل است: از یک سو، امکان تأسی ندارند و از سوی دیگر، دارای محدودیتی تاریخی‌اند. در چنین شرایطی باید به درون مایه و لایه‌های باطنی فعل پیامبر ﷺ راه یافت و به کمک آن از تنگناهای ظاهری تأسی عبور کرد. برای این منظور، لازم است تا با کشف پیام اصلی و مضمون کلی رفتار، از حصار زمان و مکان خارج شد. از این رو، چهارمین گام برای تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ، «کشف مقصود فعل پیامبر ﷺ» است که موجب توسعه کارکرد افعال پیامبر ﷺ و افزایش قابلیت تأسی به آن می‌شود.

۵. بازسازی فعل پیامبر ﷺ

شناخت مقصود افعال پیامبر ﷺ، مسیر تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ را هموار ساخته و فرایند عصری‌سازی آن را کوتاه می‌کند. برای دستیابی به الگویی روزآمد از افعال حضرت، به گام پنجمی نیاز است که چرخه تحلیل عصری را کامل کند. برای این منظور، باید آن دسته از موضوعاتی که به عنوان مقصود افعال پیامبر ﷺ شناخته شده است بر عصر حاضر عرضه و افعال پیامبر ﷺ را بازسازی کرد. منظور از بازسازی، خوانش دوباره افعال پیامبر ﷺ در بستر زمانی جدید و تجسم آن در قالب افعال متعارف، متداول و به روز است. البته بازسازی افعال پیامبر ﷺ همیشه ممکن نیست و متناسب با شرایط وقت و ویژگی‌های رفتاری پیامبر ﷺ تغییر می‌کند. برای نمونه، رفتار پیامبر ﷺ در پوشیدن لباس پشمی - که به منظور زیست متواضعانه و همسانی با طبقه فرودست جامعه انجام می‌شده است - در عصر حاضر مصداق مشخص و روشنی ندارد و بازسازی آن امکان‌پذیر نیست. چرا که در دوره پیامبر ﷺ لباس پشمینه، پوشش نیازمندان بود و نشانه ساده‌زیستی به شمار می‌رفت، اما امروزه علاوه بر جنس لباس، عوامل دیگری چون رنگ، دوخت، قیمت و برند نیز در تعیین سطح اجتماعی و اقتصادی لباس دخالت دارد و نمی‌توان یک لباس مشخص را مصداق تواضع برشمرد و آن را جایگزین پوشش پیامبر ﷺ معرفی کرد.

تحلیل نمونه‌های افعال پیامبر ﷺ

تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ نیازمند نمونه‌های کاربردی نیز هست تا از رهگذر بررسی مصادیق عینی افعال پیامبر ﷺ، چگونگی کاربرد روش پیش‌گفته معلوم شود تا از این

طریق، تحلیل عصری افعال دیگر معصومان نیز هموار شود. البته به دلیل تنوع شئون زندگانی پیامبر ﷺ و نیز گستردگی افعال صادره از ایشان، انتخاب نمونه‌های رفتاری پیامبر ﷺ، دیریاب و کشف افعال شایسته تحلیل دشوار است. افزون بر آن که تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ امری سهل و ممتنع است که در برخی مصادیق و نمونه‌ها ساده می‌نماید و در برخی دیگر دشوار. از این رو، تحلیل‌های ارائه شده از افعال پیامبر ﷺ در یک تراز واحد قرار ندارد و سطح واکاوی رفتارهای حضرت یکنواخت نیست.

۱. سیره فردی

یکی از حوزه‌های رفتارشناختی پیامبر ﷺ، سیره فردی و شخصی حضرت است که شامل اموری چون نظافت و بهداشت، خوراک، پوشاک، مسکن و مرکب و نظایر اینها می‌شود. در این میان، برخی از افعال حضرت به سبب محدودیت تاریخی امکان تأسی ندارد و الگوگیری از آنها در عصر حاضر مقدور نیست.

الف. نگه‌داری خروس سفید

برای نمونه، نگه‌داری خروس سفید در منزل از جمله رفتارهایی است که با اقتضائات زمان حاضر سازگار نیست و بسا مایه اذیت همسایگان شود. با این همه، رفتار یاد شده توسط پیامبر ﷺ انجام گرفته و در مواردی هم به آن سفارش کرده‌است. انس بن مالک از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «خروس سفید دوست من و دشمن خداست؛ او از صاحبش و هفت خانه [اطرافش] محافظت می‌کند» و رسول خدا آن را در خانه‌اش نگه می‌داشت (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۳۰). همچنین در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «هر کس خروس سفیدی را در منزلش نگه دارد از شر سه چیز در امان خواهد بود: کافر، پیشگو و جادوگر» (همان). با توجه به دو روایت فوق و نیز دیگر متون مرتبط که از بسامد نسبتاً بالایی نیز برخوردارند، می‌توان انتساب رفتار یاد شده به پیامبر ﷺ را تأیید کرد و اصل صدور این رفتار از حضرت را پذیرفت (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴۹/۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷/۶۲).

با این همه، قراین متنی و نشانه‌های برون متنی برای امر دلالت می‌کند که مقصود اصلی از نگه‌داری خروس، وقت‌شناسی و اطلاع‌یابی از اوقات نماز بوده است. چنانکه «امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل فرمود که رسول خدا ﷺ از دشنام دادن خروس نهی فرمود، زیرا او [مسلمانان را] برای نماز بیدار می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۰/۴). همچنین روایاتی که به وصف خروس و ویژگی‌های آن می‌پردازد، بروقت‌شناسی و شناخت آن از اوقات نماز تأکید کرده است. امام

رضا علیه السلام فرمود: «در خروس سفید پنج خصلت از خصلت‌های پیغمبران است: شناخت اوقات نماز، حمیت، بخشندگی، دلیری و آمیزش بسیار» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲۹۹/۱). خصوصاً آن که در برخی متون، بر نگه‌داری خروس به منظور اطلاع از اوقات نماز تصریح شده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خروس سفید داشت و صحابه پیامبر نیز به هنگام مسافرت با خود خروسی را می‌بردند تا ایشان را از اوقات نماز آگاه کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷/۶۲).

از این رو، با توجه به آن که مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از رفتار یاد شده وقت‌شناسی و مواظبت بر اوقات نماز بوده است، به نظر می‌رسد «استفاده از ساعت» مصداق مناسبی برای جایگزینی رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد. چرا که علیرغم ناهمگونی‌های ظاهری با رفتار یادشده، به جهت همخوانی با مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز به جهت تناسب با احتیاجات زمان، نزدیک‌ترین مصداق به «خروس» محسوب می‌شود.

ب. سرمه کشیدن بر چشم

نمونه دیگر از رفتارهای شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در حوزه بهداشت انجام می‌گرفت، سرمه کشیدن بود. در روایتی آمده است: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به رخت خواب می‌رفت به تعداد فرد با ائمه [نوعی سنگ سرمه] سرمه می‌کشید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۳/۶). همچنین در روایتی دیگر آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیوسته قبل از خواب سرمه می‌کشید» (همان: ۴۹۵). این رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در گزارش‌های متعددی نقل شده است، در جامعه کنونی قابل الگوبرداری نیست و نمی‌توان به آن اقتدا کرد. چرا که در فرهنگ امروز، سرمه کشیدن بیشتر یک رفتار زنانه است و انجام آن برای مردان قبیح تلقی می‌شود. از این رو لازم است تا با توجه به محدودیت تاریخی موجود، مقصود از رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شناسایی و حتی المقدور مطابق شرایط روز بازسازی شود.

با بررسی روایات وارده درباره سرمه کشیدن چنین به دست می‌آید که برخلاف باور عمومی که سرمه را ابزاری زینتی به شمار می‌آورند، مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این رفتار، خواص درمانی و رعایت «بهداشت چشم» بوده است. چنان که در روایتی از عایشه آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم که زیاد سرمه می‌کشید، گفتم یا رسول الله شما از سرمه زیاد استفاده می‌کنید! فرمود: سرمه چشم را روشنی می‌بخشد و مژه‌های چشم را می‌رویاند» (طبری، ۱۹۸۲: ۴۷۸/۱). در روایتی دیگر آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سرمه ائمه، به چشم بمالید که دیده را جلا می‌دهد و مو می‌رویاند» (ترمذی، ۱۹۹۸: ۲۲/۴). از همین رو، به جهت حفظ خاصیت طبی و افزایش زمان تأثیرگذاری، این رفتار بیشتر شب هنگام و قبل از خواب انجام می‌گرفت. «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

سرمه دانی داشت که با آن در هنگام خفتن هر چشم را سه بار سرمه می‌کشید» (همان: ۱۵۳). همچنین در روایتی دیگر آمده است: «سرمه کشیدن در هنگام خواب، مایه ایمنی از آب [چشم] است» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۲).

از این رو با توجه به شناخت مقصود پیامبر ﷺ از سرمه کشیدن و فهم علت غایی آن، می‌توان از دیگر افعال مؤثر در بهداشت چشم کمک گرفت و رفتار پیامبر ﷺ را در دوره کنونی نیز عصری‌سازی کرد. البته عصری‌سازی رفتار، به معنای ترک فعل انجام گرفته نیست، بلکه به معنای توسعه رفتار در قالب مصادیق جدید است که می‌تواند با عمل به رفتار پیشین نیز جمع شود.

۲. سیره اخلاقی

از دیگر حوزه‌های رفتارشناختی پیامبر ﷺ، سیره اخلاقی حضرت است که شامل اموری چون حسن خلق، امانت داری، صداقت و راستگویی، صبر و شکیبایی، زهد و ساده‌زیستی می‌شود. در این میان، برخی از افعال اخلاقی پیامبر ﷺ به دلیل محدودیت تاریخی امکان تأسی ندارد و الگوگیری از آنها در عصر حاضر مقدور نیست. چنان‌که نخوردن نان گندم و نگاه نکردن به تصاویر از جمله آن رفتارهاست.

الف. نخوردن نان گندم

بر پایه شماری از متون روایی، پیامبر اکرم ﷺ هیچگاه نان گندم نخوردند و از نان جو نیز سیر نشدند! چنان‌که وقتی راوی درباره «سیر نشدن» پیامبر ﷺ از نان گندم سؤال کرد، امام صادق علیه السلام از «نخوردن» حضرت خبر دادند و فرمود: «خیر! رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز نان گندم نخورد و از نان جو هم سیر نخورد» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۲۰). همچنین در روایتی دیگر، ضمن آن‌که غذای غالب پیامبر ﷺ نان جوین دانسته شده بر نخوردن نان گندم از سوی پیامبر ﷺ تأکید شده است. «ابو اسامه گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: برای ما چنین نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخورد. فرمود: رسول خدا هیچگاه از نان گندم نخورد. گفتم پس چه چیزی تناول می‌کردند؟ فرمود: خوراک رسول خدا نان جو بود اگر می‌یافت و شیرینی‌اش خرما بود و سوختش شاخه درخت خرما» (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۶۳).

البته این نخوردن، به سبب فقر نبود و پیامبر ﷺ با وجود برخورداری و توان مالی، از نان گندم پرهیز می‌کردند! چنان‌که طبق فرموده امام باقر علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله گاه تا صد شتر به یک نفر جایزه می‌دادند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۰/۸). چون سطح معیشتی مردم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله پایین

بود، بیشتر مردم قدرت خرید نان گندم را نداشتند؛ پیامبر ﷺ نیز به منظور رعایت همسانی با اقشار ضعیف جامعه از خوردن نان گندم امتناع می‌کردند.

امروزه این رفتار پیامبر ﷺ قابل تأسی نیست و به دلیل تغییر شرایط اقتصادی و افزایش قدرت خرید مردم، امکان پیروی ندارد. از این رو برای تأسی به فعل پیامبر ﷺ می‌بایست مقصود از فعل را کشف کرد و متناسب با شرایط اقتصادی روز بازسازی کرد. بر پایه قراین درونی و برونی احادیث، مقصود پیامبر ﷺ از رفتار یاد شده «ساده زیستی» بوده است. حضرت برای رعایت این صفت اخلاقی از خوردن نان گندم امتناع می‌کرد.

برخی از محدثان، روایات مربوط به پرهیز پیامبر ﷺ از نان گندم را در ذیل عنوان «زهد» آورده‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۹۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۱/۴۰؛ بحرانی، ۱۴۱۱: ۲۱۷/۱). بر این اساس، برای بازسازی رفتار پیامبر ﷺ در عصر حاضر باید به سراغ خوراکی‌هایی رفت که خوردن یا نخوردن آن نشانه ساده‌زیستی محسوب شود و جانشین روزآمدی برای رفتار حضرت به شمار رود. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در احتجاج با افرادی که حضرت عیسی علیه السلام را پیامبری زاهد و ساده‌زیست می‌دانستند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زاهدترین انبیا معرفی کرده و نخوردن حضرت از نان گندم را به عنوان گواه خویش ذکر کرده است. «مردی یهودی به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: چنان گمان می‌برند که عیسی زاهد بود. علی علیه السلام گفت: حتما چنین بود، و محمد صلی الله علیه و آله و سلم زاهدترین پیامبران بود. هرگز سفره‌ای از پیش او برچیده نشد که بر آن طعام باشد،^۱ و هرگز نان گندم نخورد، و هرگز سه شب پیاپی از نان جوین سیر نخورد» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۲۶/۱).

ب. نگاه نکردن به تصاویر

یکی از رفتارهای اخلاقی پیامبر ﷺ که در مواجهه با زینت‌های دنیا رخ داده، چشم ندوختن و نگاه نکردن به آنهاست. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف زهد پیامبر ﷺ فرموده است: «پرده‌ای همراه با نقش و نگار بر در خانه‌اش آویخته بود، به یکی از همسرانش فرمود: فلانی! این پرده را از برابر دید من پنهان کن، زیرا وقتی آن را می‌بینم دنیا و زرو زیورش را به یاد می‌آورم» (سیدرضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۶۰). همچنین عایشه بر این خصلت حضرت تصریح کرده، آورده است: «پرده‌ای داشتیم که در آن عکس پرنده‌ای بود، هرگاه کسی وارد می‌شد اول با آن رو به رو می‌شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: این پرده را عوض کن، زیرا هرگاه وارد می‌شوم و آن را می‌بینم به یاد دنیا می‌افتم» (ابن حجاج، بی تا: ۱۶۶۶/۳؛ نسائی، ۱۴۰۶: ۳۰۶/۵).

۱. یعنی بر سفره طعامی اندک بود که خورده می‌شد.

طبرسی در این باره نوشته است: «رسول خدا ﷺ پیوسته از نگاه کردن به آنچه از دنیا نیکو شمرده می‌شد، پرهیز می‌کرد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳۱/۶).

تأسی به این رفتار پیامبر ﷺ در دوره معاصر امکان ندارد و الگوگیری از آن مقدور نیست. خودداری از نظاره کردن به تصاویر و زیورهای دنیایی رفتاری است که مخاطب امروز به دلیل تفاوت فرهنگ و تغییر باور عمومی بر نمی‌تابد و بسا آن را نشانه ریا، تظاهر و یا خودپسندی به حساب آورد. البته ممکن است محدودیت تأسی به این رفتار پیامبر ﷺ به خاطر اختصاصی بودن آن باشد و این پرهیز، جزو آداب شخصی پیامبر ﷺ بوده است. چنان که برخی از متون روایی بر این نکته دلالت دارد (نک: ابن ماجه، بی تا: ۱۱۱۵/۲) و از برخی متون تفسیری چنین استفاده می‌شود که رفتار پیامبر ﷺ در پی فرمان الهی در آیه ۸۸ سوره حجر رخ داده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۴۵/۶). با این همه، محدودیت تاریخی رفتار پیامبر ﷺ به دلیل تفاوت فرهنگ زمان مُحَرز است و مخاطب امروز، «نگاه نکردن» را به عنوان روش مواجهه با زینت‌های دنیایی نمی‌پسندد. امروزه استفاده از تصاویر و نقش نگارهای تزئینی عنوان دیگری پیدا کرده است و نشانه زیبایی دوستی است. بر این اساس، می‌بایست در پی کشف مقصود رفتار پیامبر ﷺ بر آمد و آن را متناسب اقتضائات زمان بازسازی کرد.

بررسی قراین معاشناختی احادیث نشان می‌دهد که مقصود پیامبر ﷺ از چشم ندوختن به پرده منقش و یا تصاویر زینتی «زهد و بی‌رغبتی به دنیا» بوده است. چنان که عبارات پایانی فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام بر این موضوع دلالت دارد: «علاقه داشت آرایش دنیا از برابر دیده‌اش پنهان باشد، تا از آن جامه زیبا برنگیرد، و باورش نیاید که سرای قرار و آرامش است، و امیدوی به درنگ در آن نداشته باشد. پیامبر علاقه به دنیا را از دل بیرون کرد، و از این محل فانی دل برداشت، و از دیده خود پنهان نمود. کسی که چیزی را دشمن دارد، بغض و نفرت دارد که به آن نظر کند و در محضرش از آن یاد شود» (سیدرضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۶۰). در حقیقت پیامبر ﷺ با نگاه نکردن به زینت‌های دنیا و چشم فروهستن از تصاویر زینتی، به دنبال آن بود تا فرهنگ زهد و بی‌رغبتی به دنیا را ترویج دهد و مظاهر دنیوی را کوچک جلوه دهد. نگاه کردن به چیزی، نشان دهنده توجه و اهمیت به آن است و مرتبه نازلی از علاقه و رغبت به آن محسوب می‌شود و زمینه دل بستگی و وابستگی به آن را پدید می‌آورد. از این رو، برای بازسازی رفتار پیامبر ﷺ باید اصل توجه نکردن و اهمیت ندادن به امور دنیوی را ملاک عمل قرار داد که این باور، خود در قالب مصادیق مختلفی می‌تواند بروز پیدا کند.

۳. سیره اجتماعی

از دیگر حوزه‌های رفتارشناختی پیامبر ﷺ، سیره اجتماعی ایشان است که شامل موضوعاتی مانند رفتار با اصحاب و یاران، دشمنان و مخالفان، ازدواج و وفات می‌شد. در این میان، برخی از افعال اجتماعی پیامبر ﷺ به دلیل محدودیت تاریخی امکان تأسی ندارد و در عصر حاضر پیروی از آنها مقدور نیست.

الف. اقدام شخصی در برآوردن حاجات مردم

بر پایه شماری از متون روایی، اقدام شخصی و بی‌واسطه پیامبر ﷺ در برآوردن حاجت مردم از جمله رفتارهایی است که حضرت بر آن مواظبت می‌کرد. ابن شهر آشوب ضمن ارائه گزارشی جامع از ویژگی‌های پیامبر ﷺ آورده است: «پیامبر ﷺ این گونه بود که کسی از آزاده یا بنده یا کنیز بر او وارد نمی‌شد مگر آن که به همراه او در پی خواسته‌اش راه می‌افتاد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱/۱۴۵). همچنین انس بن مالک نقل کرده است: «رسول خدا ﷺ را دیدم که از منبر فرود می‌آید و مردی حاجتش را به ایشان عرضه می‌کند. پیامبر ﷺ همراه او بر می‌خیزد و حاجتش را برآورده می‌کند و سپس می‌آید و به نماز می‌ایستد» (ابوداود، بی‌تا، ۱/۲۹۲). در روایتی آمده است: «کنیزی از کنیزان اهل مدینه بود که گاه دست پیامبر ﷺ را می‌گرفت و او را برای حاجت‌های خود [در کوچه‌های مدینه] می‌چرخاند تا به انجام رسد و آنگاه پیامبر ﷺ باز می‌گشت» (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۹۴: ۷/۲۰۲).

این رفتار حضرت در عصر کنونی، با توجه به فزونی جمعیت، افزایش خواسته‌ها، تنوع سطح نیازها و نیز جایگاه متمایز رهبری، مقدور نیست و می‌بایست متناسب با اقتضائات حال به روز گردد. چرا که، جامعه کوچک و کم جمعیت مدینه، مراجعات اندک و کم شمار مردم، امکان ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با حاکم و بالاخره بسیط و سبک بار بودن نیازها و احتیاجات مردم، همگی حکایت از آن دارد که مناسبات جامعه زمان پیامبر ﷺ با اقتضائات جامعه امروز تفاوت کرده و عملاً نمی‌توان رفتار صادره در آن روزگار را در حال حاضر انجام داد. از این رو، شایسته است تا با تحلیل ویژگی‌های رفتاری پیامبر ﷺ، مقصود حضرت از فعل مورد نظر را استخراج کرد تا با توجه به خصوصیات زمان حاضر، آن را بازسازی کرد.

برای این منظور، باید گفت که تعبیر «رجل» در روایت نخست، نماد افراد ناشناس و گمنام جامعه و تعبیر «کنیز» در روایت دوم، نماد طبقه ضعیف و ناتوان جامعه است. همچنین گرفتن دست پیامبر ﷺ توسط کنیز، نشانه دسترسی راحت و بی‌تکلف به حاکم جامعه است و حرکت پیامبر ﷺ به همراه فرد حاجتمند نیز نشانه اهتمام ویژه ایشان به خواسته مردم است.

بنابراین، تحلیل نشانه‌ها و دلالت‌های یاد شده نشان می‌دهد که «اهتمام به نیازهای مردم و سعی بلیغ در برآوردن آنها» مقصود پیامبر ﷺ از رفتار مورد نظر بوده است. برای بازسازی آن در جامعه امروز باید اصل «خدمت‌رسانی» را مد نظر قرار داد و با روش‌های روزآمد در صدد تأمین آن برآمد.

ب. پرهیز از گماشتن دربان

یکی دیگر از ویژگی‌های پیامبر ﷺ در تعامل با مردم، دسترسی آسان و راحت به ایشان بود که در قالب رفتارهایی همچون پرهیز از گماشتن دربان ظهور داشت. در وصف این خصلت پیامبر ﷺ آمده است: «رسول خدا ﷺ چنان بود که درهای خانه‌اش را به روی کسی نمی‌بست و برای خود دربان نمی‌گماشت. آشکارا در دسترس بود و هر کس می‌توانست ایشان را ملاقات کند» (بیهقی، ۱۴۲۴: ۱۷۴/۱۰). در روایتی آمده است: «پیامبر هیچگاه روی میز غذا نخورد و جمعیتی را همراه خود روانه نکرد و هیچگاه دربان نداشت.» (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۸/۴). همچنین طبق گزارش انس بن مالک، زنی رفتار ناشایستی با پیامبر ﷺ داشت و برای عذرخواهی نزد حضرت رفت، او خانه پیامبر ﷺ را بدون دربان و نگاهبان یافت (بخاری، ۱۴۲۲: ۱۰۸/۸).

این رفتار پیامبر ﷺ به اقتضای جامعه کم‌شمار مدینه و مراجعات اندک مردم آن روزگار انجام می‌گرفت و رسول خدا ﷺ این فرصت را می‌یافت تا به سادگی با افراد جامعه ارتباط برقرار کند، اما در جامعه بزرگ و پرشمار امروز که حاکم اسلامی با مسائل سیاسی و اجتماعی مختلفی مواجه است و درخواست‌های مردم پُر تعداد و متنوع است، عملاً امکان پیروی مستقیم از سیره حضرت وجود ندارد و نمی‌توان به عین این رفتار پیامبر ﷺ اقتدا کرد. از این رو، ضروری است که روش بهره‌گیری از رفتار پیامبر ﷺ تغییر یابد و رفتار ایشان مطابق شرایط روز، عصری‌سازی شود.

برای این منظور، باید با استفاده از ویژگی‌های رفتاری پیامبر ﷺ پیام اصلی فعل ایشان را کشف و مطابق اقتضائات زمان بازسازی کرد. با توجه به قراین برون‌متنی و نیز تحلیل گزاره‌های روایی چنین می‌توان نتیجه گرفت که مقصود پیامبر ﷺ از رفتار یاد شده «تسهیل رابطه مردم و حاکم» بوده است. به واقع، پیامبر ﷺ با این عمل خود امکان ارتباط سهل و ساده با مردم را فراهم آوردند تا افراد جامعه بتوانند به راحتی مشکلات خود را با ایشان در میان بگذارند. این اصل رفتاری در جامعه امروز نیز با برخی روش‌های نوین مانند ایجاد ارتباط مجازی، برقراری تماس تلفنی، تشکیل دفتر پاسخگویی و تعیین نماینده برای مراجعات

حضور می‌یابد. همچنین می‌توان به صورت محدود و موردی به ارتباط حضوری و بی‌واسطه با مردم پرداخت و به اصل رفتار پیامبر ﷺ نیز تأسی کرد.

۴- سیره اقتصادی

از دیگر حوزه‌های رفتارشناختی پیامبر ﷺ، سیره اقتصادی است که شامل موضوعاتی مانند اشتغال، مصرف و بازار می‌شود. در این میان، برخی از افعال اقتصادی پیامبر ﷺ همچون کار جسمانی و پرهیز از ذخیره آذوقه به دلیل محدودیت تاریخی امکان تأسی ندارد و در عصر حاضر تبعیت از آنها مقدور نیست.

الف. کار جسمانی

یکی از کارهای اقتصادی پیامبر ﷺ، کار یدی و فعالیت جسمانی است که در متون مختلف از زبان اهل بیت علیهم‌السلام گزارش شده است. موسی بن جعفر علیه‌السلام در روایتی از کار یدی پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه‌السلام حکایت کرده فرمود: «علی بن ابی حمزه از پدرش نقل می‌کند که گفت: ابو الحسن [امام کاظم علیه‌السلام] را دیدم که در زمینی متعلق به خودش کار می‌کرد و پاهای او غرق عرق شده بود، عرض کردم: فدایت شوم! کارگران کجایند؟ فرمود: ای علی! کسانی با دست خود در زمین خویش کار کردند که از من و پدرم بهتر بودند. گفتم: کدام کسان؟ فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام و همه پدرانم، که با دست خود کار می‌کردند. با دست خود کار کردن کار پیامبران و رسولان و اوصیا و صالحان است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۷۵). همچنین امام صادق علیه‌السلام از کار مشترک امیرالمؤمنین علیه‌السلام و پیامبر ﷺ در کشاورزی خبر دادند: «امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیل می‌زد و شخم می‌کرد [و آب از زمین بیرون می‌آورد] و پیامبر نیز دانه‌ها را در زمین می‌نشاند» (همان: ۷۴). ایشان در حدیثی دیگر، کار جسمانی پیامبر ﷺ را روایت کرده‌اند: «زراره گوید: مردی نزد امام صادق علیه‌السلام آمد و گفت: از من بر نمی‌آید که با دست خود کار کنم، نیز نمی‌توانم به کسب و بازرگانی بپردازم، و من مردی بدبخت و نیازمندم. امام علیه‌السلام فرمود: کار کن، و بر سر خود برای این و آن بار ببر، و از مردم خود را بی‌نیاز ساز. رسول خدا سنگی را بر دوش خود حمل کرد و در یکی از جالی‌های خود نصب کرد تا جلوی سیلاب را بگیرد» (همان: ۷۷).

این رفتار پیامبر ﷺ که جزو افعال مشترک اهل بیت علیهم‌السلام نیز بوده است، حکایت از آن دارد که کاری که با قوت بازو و عرق ریختن انجام گیرد آجر و ارزش بیشتری دارد. از این رو، شایسته است تا مسلمانان نیز رفتار پیامبر ﷺ را سرمشق خود قرار دهند و به این سنت رفتاری اقتدا کنند. لکن با توجه به شرایط و اقتضات زمان که فرصت شغلی کافی وجود ندارد و امکان

انجام کار جسمانی برای همگان فراهم نیست، نمی‌توان به صورت فراگیر به رفتار پیامبر ﷺ جامه عمل پوشاند. عملاً تاسی پُرشمول به رفتار ایشان مقدور نمی‌باشد. از این رو لازم است تا با شناخت مقصود پیامبر ﷺ از رفتار انجام گرفته و بازسازی آن در عصر حاضر، زمینه پیروی از این فعل پیامبر ﷺ را فراهم کرد.

با توجه به قراین برون متنی و نشانه‌های معناشناختی روایات، می‌توان گفت مقصود پیامبر ﷺ و حتی دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام از کاریدی، «کسب روزی حلال» بوده‌است و ایشان به منظور تأمین نیازهای معیشتی خانواده و بی‌نیازی از بندگان به تلاش جسمانی روی می‌آوردند. چنان‌که در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «من در بعضی از زراعت‌هایم چندان کار می‌کنم که عرق از من بریزد، با اینکه کسی را دارم که به جای من کار کند، لیکن می‌خواهم که خدای عز و جل بدانند که من خود برای طلب روزی حلال کار می‌کنم» (همان). در روایتی دیگر فضل بن ابی‌قره نقل می‌کند: «بر امام صادق علیه‌السلام در یکی از باغچه‌های ایشان وارد شدیم، پس به ایشان گفتیم: فدایتان شویم، اجازه دهید ما به جای شما کار کنیم یا بندگان آن را انجام دهند. فرمود: خیر، مرا آزاد بگذارید، من دوستم دارم تا خداوند ببیند که با دست‌انم کار می‌کنم و برای کسب حلال خود را به رنج می‌اندازم» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۶۳/۳). همچنین وقتی راوی از امام باقر علیه‌السلام درباره دلیل کار جسمانی ایشان در وقت کهولت سن و گرمای هوا سوال می‌کند، حضرت ضمن دینی خواندن رفتار خود می‌فرماید: «اگر پیک مرگ در این حال درآید، مرا در طاعت و بندگی خدا خواهد دید، چرا که من با این تلاش، خودم و خانواده‌ام را از تو و سایر مردم بی‌نیاز می‌کنم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۳/۵).

از این رو، می‌توان گفت که کاریدی تنها یک نمونه از مصادیق اصلی رفتاری پیامبر ﷺ بوده‌است و امروزه هرگونه تلاش برای کسب حلال و تأمین معیشت خانواده، پیروی از رفتار پیامبر ﷺ محسوب می‌شود. گرچه لقمه‌ای که از تلاش بدنی به دست آید و حاصل دسترنج انسان باشد ارزش بیشتری دارد و از اجر معنوی نیز برخوردار است.

ب. پرهیز از ذخیره آذوقه

از دیگر نمونه‌های رفتار اقتصادی پیامبر ﷺ آن است که حضرت از ذخیره‌سازی آذوقه منع می‌کرد و از نگه‌داری توشه روزانه پرهیز داشت. چنان‌که در برخی متون حدیثی آمده است: «پیامبر ﷺ هیچگاه چیزی را برای فردا نمی‌انداخت» (ترمذی، ۱۹۹۸: ۳۰۹/۴). در برخی متون از زبان پیامبر ﷺ نقل شده‌است که فرمود: «من دینار و درهمی را جمع نمی‌کنم و روزی‌ام را برای فردا نگه نمی‌دارم» (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۳۰۰/۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۲۸/۴).

همچنین بنا بر گزارشی که خادم پیامبر ﷺ نقل کرده است، حضرت نگه‌داشت خوراک را مذموم شمرده و از ذخیره‌سازی آن نهی کرده است: «سفینه خادم پیامبر ﷺ می‌گوید: چند پرنده برای رسول خدا ﷺ هدیه آوردند. یکی از آنها را طبخ کردم و صبح برایشان بردم. فرمود: این را از کجا آورده‌ای؟ گفتم: از همان هاست که دیروز برایتان آورده‌اند. فرمود: آیا به تو نگفتم که غذایی را برای روز بعد نیندوزی؟ هر روز، روزی خود را دارد» (بزار، ۱۹۸۸: ۲۸۷/۹).

رفتار یاد شده در جامعه امروز مقدور نیست و به جهت اقتضائات زمان و ناسازگاری با فرهنگ مخاطب نمی‌توان به آن اقتدا کرد. این محدودیت تاریخی در دوره ائمه علیهم‌السلام نیز ظهور داشته است و برخی از معصومان بر خلاف سیره پیامبر ﷺ، آذوقه سالانه خویش را ذخیره می‌کردند. چنان که وقتی معمر بن خلاد از امام رضا علیه‌السلام درباره ذخیره کردن خوراک سؤال پرسید، حضرت فرمود: «من چنین می‌کنم [و مقصودش فراهم آوردن قوت سالانه بود]» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۶۷/۳) در حدیث دیگری از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است: «چون آدمی خوراک سال خویش را ذخیره کند، بارش سبک می‌شود و آسایش می‌یابد. امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام تا خوراک سالانه خود را فراهم نمی‌آوردند، به خریدن زمین [و کار کشاورزی] اقدام نمی‌کردند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۹/۵).

از این رو باید گفت که پیامبر ﷺ با ذخیره‌سازی قوت سالانه مخالف نبودند، بلکه به دلیل شرایط زمان خود که بیشتر مسلمانان نیازمند بودند و بسا به همان غذای ذخیره شده احتیاج پیدا می‌کردند، از نگاه‌داری غذا خودداری می‌کرد. گواه این نکته، خودداری امام صادق علیه‌السلام از ذخیره گندم در سالی است که مردم مدینه دچار قحطی شده و امکان تهیه گندم مرغوب نداشتند. «حماد بن عثمان گوید: مردم مدینه دچار چنان قحطی و گرانی شدند که حتی ثروتمندان نیز گندم را با جو می‌آمیختند و می‌خوردند، و اندکی هم غذا می‌خریدند. امام صادق علیه‌السلام که در آغاز سال گندم مرغوب خریده بود، به یکی از غلامانش فرمود: یا مقداری جو برایمان بخر و با این گندم‌ها بیامیز، یا این گندم‌ها را بفروش. زیرا دوست نداریم که ما [خوراکی] مرغوب بخوریم و مردم نامرغوب بخورند» (همان: ۱۶۶). علاوه بر آن که سخن پیامبر ﷺ در فضیلت نگاه‌داری آذوقه، نشان می‌دهد که پرهیز از انباشت آذوقه، وظیفه‌ای عمومی و مردمی نبوده است: «هرگاه توشه آدمی به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می‌یابد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۳۴/۱۷).

از این رو می‌توان گفت مقصود پیامبر ﷺ از رفتار یاد شده «مؤاسات و همدردی» با نیازمندان بوده است؛ یعنی نسبت به نیاز مردم بی تفاوت نبودن و در مشکلات آنان مشارکت

داشتن و یاری رساندن. بر این اساس می‌توان رفتار پیامبر ﷺ را با توجه به اصل رفتاری «مؤاسات» بازسازی کرد و با اهتمام داشتن به حقوق نیازمندان و مشارکت در امور خیریه و اطعام فقرا به فعل پیامبر ﷺ تأسی کرد.

نتیجه

افعال پیامبر ﷺ مطابق با شرایط و اقتضائات دوره حضور شکل گرفته است. این مسئله، امکان الگوگیری را برای مخاطبی که در دوره معاصر زندگی می‌کند دشوار می‌سازد. از این رو، برای بهره‌گیری از افعال پیامبر می‌بایست اقتضائات عصر جدید را در نظر گرفت و رفتارهای ایشان را متناسب با فرهنگ زمان، عصری‌سازی کرد. تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ نیازمند پیمودن مراحل پنجگانه امکان‌سنجی تأسی به افعال پیامبر، احراز محدودیت تاریخی در افعال پیامبر، کشف مقصود از افعال پیامبر و بازسازی افعال پیامبر ﷺ است.

تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ در کنار مباحث نظری، نیازمند نمونه‌های کاربردی است تا چگونگی کاربست این روش آشکار شود. رفتارهایی چون نگه‌داری خروس سفید، سرمه کشیدن، نخوردن نان گندم، نگاه نکردن به تصاویر، اقدام شخصی در برآوردن حاجت مردم، پرهیز از گماشتن دربان، کار جسمانی و پرهیز از ذخیره‌آذوقه از جمله نمونه‌های رفتاری پیامبر ﷺ است که در چهار حوزه فردی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و بر پایه اقتضائات زمان معاصر تحلیل شده‌اند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی للصدوق*، تهران، نشر کتابچی.
- _____ (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- _____ (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، دار الشریف الرضی.
- _____ (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تهران، نشر جهان.
- _____ (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب*، قم، نشر علامه.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (بی تا)، *سنن ابن ماجه*، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن حجاج، مسلم (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینة دمشق*، بیروت، دار الفکر.
- ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل (۱۴۱۲ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالمعرفة.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (بی تا)، *سنن ابی داود*، بیروت، المکتبة العصریه.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۳۹۴ق)، *حلیة الأولیاء*، مصر، السعاده.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۱ق)، *حلیة الأبرار فی أحوال محمّد وآله الأطهار علیهم السلام*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، *صحیح البخاری*، بیروت، دار طوق النجاة.
- بزار، احمد بن عمرو (۱۹۸۸)، *مسند البزار*، مدینة منورة، مکتبة العلوم والحکم.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق)، *السنن الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۷)، «معاصر سازی اسوه های دینی»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۴۲، زمستان، ص ۱۰۳-۱۳۱.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸)، *سنن ترمذی*، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۸۰)، *الجواهر النضید فی شرح منطق التجرید*، لندن، مؤسسه الامام علی علیه السلام، ۱۳۸۰.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۴)، *راه صفا بر پی مصطفی: رفتارشناسی نبوی در جستجوی زندگی متعالی*، تهران، انتشارات دریا.

- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم، نشر هجرت.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۸۲)، تهذیب الآثار و تفصیل الثابت عن رسول الله من الأخبار (مسند عبدالله بن عباس)، قاهرة، مطبعة المدنی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی للطوسی، قم، مؤسسة البعثة.
- طوسی، نصیر الدین (۱۳۶۷)، اساس الاقتباس، تهران، دانشگاه تهران.
- عالم زاده نوری، محمد (۱۳۹۱)، استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد و دیگران (۱۳۹۴)، سیره پیامبر خاتم ﷺ، قم، دارالحدیث.
- نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۰۶ق)، سنن نسائی، حلب، مكتبة المطبوعات الاسلامیه.